

امیر علی جهانداد، یک نماینده انقلابی و باطل شدن قرارداد ۱۹۱۹
خبرگزاری دانشجو. مرداد ۱۳۹۴

<https://snn.ir/fa/news/431520/-۱۹۱۹-شدن-قرارداد-و-باطل-یک-نماینده-انقلابی>

وقتی به میدان بهارستان تهران میرسی آنچه بیش از همه خود نمایی می کند مجسمه میانه میدان است که روحانی بر منبر نشسته و دست خود را به حالت عتاب به جمعیت بلند کرده است. مجسمه مردی که هر کس بخواهد فردی را به عنوان یک نماینده الگو که منافع ملی را بر منافع شخصی اش ترجیح می داد مثال بزند اسم او را بر زبان می آورد؛ «سید حسن مدرس»!

گروه دانشگاه «خبرگزاری دانشجو»، یادداشت دانشجویی؛

وقتی به میدان بهارستان تهران میرسی آنچه بیش از همه خود نمایی می کند مجسمه میانه میدان است که روحانی بر منبر نشسته و دست خود را به حالت عتاب به جمعیت بلند کرده است. مجسمه مردی که هر کس بخواهد فردی را به عنوان یک نماینده الگو که منافع ملی را بر منافع شخصی اش ترجیح می داد مثال بزند اسم او را بر زبان می آورد؛ «سید حسن مدرس»! پیرمردی که در عصر معاصر اگر بخواهیم چند شخصیت برجسته و فعال را در حفظ استقلال کشور نام ببریم قطعاً او یکی از آن افراد است.

سید حسن؛ متولد زواره از توابع استان اصفهان بود و از شش سالگی به شاگردی پدر بزرگش درآمد و بعد از فوت ایشان به اصفهان رفت تا پای درس بزرگان دین بنشیند و از آنجا هم راهی سامرا و نجف شد. به مدد شاگردی میرزای شیرازی، آخوند خراسانی و سید محمدکاظم یزدی یک روحانی انقلابی تمام عیار شد که دغدغه اصلی اش حفظ عزت و استقلال ملک اسلام بود.

شروع فعالیت های سیاسی از انجمن مقدس ملی اصفهان

همزمان با تشکیل دوره دوم مجلس شورای ملی که پس از استبداد صغیر برپا شد، نورالله نجفی اصفهانی از سوی آخوند خراسانی و عبدالله مازندرانی به عنوان یکی از مجتهدان طراز اول به مجلس شورای ملی معرفی گردید که وی نیز مدرس را برای این امر معرفی نمود و از سوی مجلس نیز پذیرفته شد. وی در دوره سوم نیز از طرف مردم تهران به نمایندگی انتخاب شد؛ ولی این مجلس به علت فشار خارجی و آغاز جنگ جهانی اول یکسال بیشتر دوم نیاورد. مدرس خود در این باره می گوید: «مجلس جوانمرگ شد»

تشکیل کمیته دفاع ملی

در ۱۲۹۳ (۱۳۳۲ قمری) که جنگ جهانی اول شروع شد، دولت ایران رسماً اعلام بی طرفی کرد، اما نیروهای روسیه، انگلیس و عثمانی، بدون توجه به این بی طرفی وارد کشور شدند به درگیری با یکدیگر پرداختند. در ۱۲۹۵ (۱۳۳۴ قمری) بیست و هفت نفر از نمایندگان مجلس و گروهی از رجال سیاسی و مردم عادی به منظور مقابله با تجاوزات روس و انگلیس به ایران، به طرف قم حرکت کردند و در آن شهر «کمیته دفاع ملی» را تشکیل دادند و یک هیأت ۴ نفری را برای اداره امور برگزیدند که مدرس یکی از آنان بود.

قرارداد ۱۹۱۹ و اقدامات مدرس

همزمان با تشکیل دوره دوم مجلس شورای ملی که پس از استبداد صغیر برپا شد، نورالله نجفی اصفهانی از سوی آخوند خراسانی و عبدالله مازندرانی به عنوان یکی از مجتهدان طراز اول به مجلس شورای ملی معرفی گردید که وی نیز مدرس را برای این امر معرفی نمود و از سوی مجلس نیز پذیرفته شد. وی در دوره سوم نیز از طرف مردم تهران به نمایندگی انتخاب شد؛ ولی این مجلس به علت فشار خارجی و آغاز جنگ جهانی اول یکسال بیشتر دوم نیاورد. مدرس خود در این باره می گوید: «مجلس جوانمرگ شد»

ماجرای از کجا شروع شد؟

در سال 1919 دولت ایران هیئتی حامل خواسته‌های ایران (از جمله لغو قرارداد 1907، الغای کابیتولاسیون و امتیازات خارجی به طور کلی، و غیره) را به کنفرانس صلح پاریس اعزام داشت، ولی انگلستان مشکلاتی در راه پذیرفته شدن نمایندگان ایران به کنفرانس صلح فراهم کرد، انگلیس حتی با اعمال فشار از مسافرت حسن پیرنیا از تهران به آمریکا و طرح دعاوی ایران در آنجا ممانعت به عمل آورد و بر اثر تلاش انگلیسی‌ها، اعضای کنفرانس صلح پاریس به این بهانه که ایران در ابتدای جنگ اعلام بی‌طرفی کرده است و رسماً درگیر جنگ نشده است، از شرکت ایران در کنفرانس جلوگیری کردند.

اقدامات انگلیس‌ها در عدم حضور ایران در کنفرانس صلح در حالی بود که منطقه «پس قلعه» در شمال تهران، شاهد رفت و آمدهایی بود که خیلی‌ها دلایلش را نمی‌دانستند. دره پس قلعه آن روزها محل مذاکرات میرزا حسن خان وثوق‌الدوله؛ نخست‌وزیر وقت و تیم همراهش با هیئت انگلیسی به ریاست «سرپرستی کاکس» بود و قرارداد معروف 1919 بصورت پنهانی در آنجا منعقد شد که به موجب آن کلیه تشکیلات نظامی و مالی ایران تحت نظارت انگلستان قرار می‌گرفت.

پس از امضای این قرارداد بین وثوق‌الدوله و سرپرستی کاکس وزیرمختار انگلیس که خبر آن محرمانه نگاهداشته شده بود، انگلستان منتظر تصویب قرارداد از طرف مجلس ایران نشده، یک هیئت نظامی به ریاست ژنرال دیکسون و یک هیئت مالی به سرپرستی آرمیتاژ اسمیت برای تشکیل سازمان جدید ارتش و اداره امور مالی اعزام کردند، و مبلغ دو میلیون لیره به عنوان قرض با ربح صدی هفت برای اجرای برنامه‌های خود در اختیار دولت ایران گذاشتند، اما جامعه ملل این قرارداد خانانه را که موجب می‌شد ایران تحت‌الحمایه انگلستان شود به رسمیت نشناخت.

فرانسه و آمریکا که در آن زمان در حال برقراری سیاست موازنه مثبت با ایران بودند و تلاش داشتند هر امتیازی که ایران به هر کشوری می‌دهد به آنها نیز بدهد از دادن یک امتیاز انحصاری به یک کشور ناراضی بودند چراکه ایران را مستقیماً تحت حمایت و به نحوی مستعمره انگلستان می‌کرد و خواهان لغو امتیاز و یا دادن این امتیاز به آنها نیز شدند.

متن قرارداد 1919 ایران و انگلیس

نظر بر روابط محکمه دوستی و مودت که از سابق بین دولتین ایران و انگلیس موجود بوده است و نظر باعتقاد کامل باینکه مسلماً منافع مشترکه و اساسی هر دو دولت در آتیه تحکیم و تثبیت این روابط را برای طرفین الزام مینماید و نظر بلزوم تهیه وسایل ترقی و سعادت ایران بحد اعلی بین دولت ایران از یک طرف و وزیر مختار اعلیحضرت پادشاه انگلستان بنمایند که از دولت خود از طرف دیگر مواد ذیل مقرر می‌شود:

1) دولت انگلستان با قاطعیت هر چه تمام‌تر تعهداتی را که مکرراً در سابق برای احترام مطلق استقلال و تمامیت ایران کرده است، تکرار می‌کند.

2) دولت انگلستان خدمات هر عده مستشار متخصص را که برای لزوم استخدام آنها در ادارات مختلفه بین دولتین توافق حاصل شود به خرج دولت ایران تهیه خواهد کرد.

3) دولت انگلیس به خرج دولت ایران صاحب‌منصبان، ذخایر و مهمات جدید را برای تشکیل قوه متحدالشکل که دولت ایران ایجاد آن را برای حفظ نظم در دامنه سرحدات در نظر دارد، تهیه خواهد کرد.

4) برای تهیه وسایل نقدی لازم به جهت اصلاحات مذکور در ماده دو و سه این قرارداد، دولت انگلیس حاضر است یک قرض کافی برای دولت ایران تهیه یا ترتیب آن را دهد.

تضمین نامهی کتبی از طرف دولت برتانیای که اگر در نتیجه‌ی بسته شدن قرارداد شورش در ایران برپا خاست و حکومت وثوق‌الدوله سقوط کرد دولت انگلیس هر سه وزیر عاقد قرارداد را در یکی از مستملکات خود به عنوان پناهنده‌ی سیاسی بپذیرد

6) دولتین توافق می‌کنند در باب تعیین متخصصان برای تشکیل کمیته، که تعرفه گمرکی را مراجعه و تجدیدنظر کرده و با منافع حقه مملکت و تمهید و توسعه وسایل ترقی آن تطبیق نماید. طبق این موارد در نظام آینده ایران وزرای ایرانی در هر وزارتخانه‌ای که بودند مستشاری بالای سر خود داشتند که از او امر او نمی‌توانستند سرپیچی کنند و در صورت بروز اختلاف میان وزیر و مستشار به نحوی یکی از آنها باید کنار برود.

در امضای قرارداد ننگین ۱۹۱۹ سه تن از وزرا که از رجال باسابقه ایرانی بودند، دست داشتند. این افراد عبارتند از: نخست وزیر (وئثوق الدوله) وزیر خارجه (شاهزاده فیروز میرزا نصرت‌الدوله) وزیر دارائی (شاهزاده اکبر میزا صارم الدوله) و زرای سه‌گانه که این قرارداد را از جانب ایران امضا کرده بودند (حتی بی‌آنکه اعضای دیگر کابینه را از جریان مذاکرات مطلع سازند) هر سه از عاقبت خود بیمناک بودند و می‌ترسیدند که پیش از تصویب قرارداد در مجلس، انقلابی در ایران رخ دهد و زمام حکومت از دستشان خارج شود که در آن صورت (همچنانکه خودشان می‌دانستند) رهائی از دست چنین حکومتی برای هیچ کدامشان امکان‌پذیر نبود. از این جهت، برای رهایی از کیفری که احتمال می‌رفت دامگیرشان شود، دو امتیاز اساسی از دولت بر تانیا می‌خواستند:

2) به هر کدام از این پناهندگان سیاسی در طول مدت تبعید (که ممکن بود تا آخر عمرشان طول بکشد) حقوقی برابر عایدات شخصی آنها در ایران پرداخت شود که بتوانند بقیه عمر را در رفاه و آسایش بسر برند. وزیر مختار بریتانیا در تهران، قسمت اول این تقاضا را قبول و تضمین نامه‌ای به شرح زیر تسلیم هر يك از وزرای سه گانه کرد:

نسبت به تقاضای دیگر این سه وزیر که در عرض دوران پناهندگی در خارجه ، مواجبی معادل درآمد هنگفت املاکشان در تهران، اصفهان یا همدان دریافت کنند، جواب صریح رد داده شد.

و ثوق الدوله كه از يك سو انگليس را تنها پناهگاه ايران مي دانست و از سوي ديگر از مخالفت ملت و رجال سياسي با اين قرارداد به خوبي آگاه بود، درصدد برآمد تا با وادار كردن انگليس به لغو قراردادهاي پيشين چون قرارداد 1907 و 1915 و الغاي كابينتو لاسيون و پليس جنوب و سپردن فرماندهي لشكر قزاق به افسران ايراني تا حدي محبوبيت كسب كند.

3

و تمامیت ارضی ایران گنجانده شده بود با به تعبیری «در قاموس سیاست اروپایی معنی جمله (ضمانت استقلال و تمامیت مملکت یک دولت از طرف یک یا چند دولت خارجی) این است که آن مملکت ضمانت شد. بالمآل ضمیمه مملکت دولت ضامن گردد یا اینکه اگر در این ضمانت یک یا چند دولت دیگر هم مشترک باشند بین آنها تقسیم شود و قدم دوم این ضمانت نامه تعیین منطقه نفوذ است و بعد از آن الحاق»

شروع اقدامات انقلابی برای مقابله با قرارداد 1919 به محوریت سید حسن مدرس

مقارن ورود هیات‌های انگلیسی به ایران سیدحسن مدرس و شیخ حسین لنگرانی علیه قرارداد سخنرانی‌هایی کردند و مردم را به مخالفت با این قرارداد برانگیختند. حاج آقا جمال اصفهانی از مجتهدین محافظه‌کار و بنام تهران نیز که به طور معمول در سیاست مداخله نمی‌کرد به مخالفت با این قرارداد پرداخت. احمدعلی سپهر یکی از شاهدان واقعه در خاطرات می‌نویسد: «میزبان محترم [شیخ حسن لنگرانی] اظهار کرد من مصمم هستم امشب ملاقاتی از دو مجتهد بزرگ بنمایم. از حاج امام جمعه خوئی استدعا کنم دستور دهند مسجد ترک‌ها برای ایراد وعظ و خطابه در اختیار آذینخواهان قرار گیرد و از آقا سید حسن مدرس تمنا کنم رابطه شخصی خود را هم با وثوق‌الدوله قطع و پیشوایی نهضت مخالفان قرارداد را بپذیرد.» و پس از آن سید حسن مدرس که از طرفی مجتهد طراز اول تهران بود و از سوی دیگر نماینده اصلی مردم تهران در مجلس پیشوایی نهضت را بر عهده گرفت و راهبری نیروهای ملی را ادامه داد.

مخالفان قرارداد در این خصوص حتی حزبی علیه تشکیلات و وثوق‌الدوله و افرادی که مانند آن با گرفتن رشوه به دفاع از قرارداد می‌پرداختند، تشکیل دادند. حسن اعظام الوزرا قدسی یکی دیگر از شاهدین وقت در این باره می‌گوید: «که با تلاش‌ها و کوشش‌های علما و آقاسیدموسی مجتهد حزبی به نام جامعه ملیون اسلامی تشکیل شد و پس از تنظیم مرامنامه و نظامنامه کاغذهایی به نام جمعیت و حزب جامعه ملیون اسلامی طبع و مهری نیز حاضر شد و شروع به پخش اعلامیه و اطلاعیه و شب‌نامه کرد و از اشخاص برجسته معروف چون آقا میرزا رضا خان نائینی، حاج شیخ حسین یزدی، حاج شیخ زین‌العابدین شاه‌حسینی، مستشارالدوله، ادیب‌السلطنه، آقاسیف‌اله خان نواب و سید حسن مدرس و برای عضویت در حزب دعوت شد.» همچنین این جمعیت بیانیه‌ای علیه قرارداد انتشار داد و مقدمات مراجعت احمدشاه به ایران را فراهم کرد. «شعراي آذینخواه نیز چون میرزاده عشقی، فرخی‌یزدی، ایرج میرزا و عارف اشعار بسیار گزنده‌ای علیه وثوق‌الدوله و قرارداد سرودند.

شاید یکی از تأثیرگذارترین اقدامات منابر سخنرانی‌ها در محرم سال 1338 ه. ق بود. علما خواستند که مساجد را سیاهپوش کنند و عموم مردم را به قیام علیه قرارداد 1919 ترغیب و دعوت کنند. عده‌ای از وعظ هم در مجالس روضه خوانی و عزاداری در مسجد عبدالحسین علیه قرارداد سخنرانی کردند و کم‌کم این مسئله به همه کشور تسری پیدا کرد و هیئت‌های مذهبی مهمترین پایگاه برای مقابله با قرارداد 1919 شد.

نطق انقلابی مدرس در مخالفت با 1919

مطابق با قانون هر قرارداد بین المللی باید به تصویب مجلس می‌رسید و وثوق‌الدوله ناگزیر 1919 را به مجلس آورد تا مورد رأی نمایندگان مجلس شورای ملی قرار گیرد. امضای قرارداد وثوق‌الدوله مصادف با دوره سوم مجلس پس از مشروطیت بود. قرارداد برای تصویب به مجلس آمد اما با مخالفت تعدادی از نمایندگان قرار گرفت که بارزترین آنها آیت‌الله سیدحسن مدرس بود. هنگام بررسی قرارداد ۱۹۱۹ در مجلس، مدرس بیاناتی انقلابی را ایراد کرد. از آن جمله گفت: «هی آمدند و به من می‌گفتند که این قرارداد کجایش بد است؟ بگوئید تا برویم اصلاح کنیم من جواب می‌دادم آن چیزی که در این قرارداد بد است همان ماده اولش است که می‌گوید ما (انگلیس) استقلال ایران را به رسمیت می‌شناسیم (خنده نمایندگان). این حرف مثل این است که یکی بیاید و به من بگوید سید من سید بودن تو را به رسمیت می‌شناسم. این قرارداد استقلال مالی و نظامی ایران را از بین می‌برد چون اگر بخواهیم ایران مستقل بماند باید همه چیزش در دست ایرانی باشد... اما این قرارداد یک دولت خارجی را در دو چیز مهم مملکت ما شریک می‌کند: در پولش و در قوه نظامی‌اش، این دلیل اصلی مخالفت من با این قرارداد است.»

پاسخ مدرس به وثوق‌الدوله: ایران را ارزان فروختید

مدرس در پاسخ وثوق الدوله که به ایشان گفت چرا با این قرارداد مخالفت می کنید می گوید: «انگلیس کیست که استقلال ما را به رسمیت بشناسد؟ آقای وثوق! چرا شما اینقدر ضعیف هستید؟ وثوق الدوله پاسخ می دهد که آنها به ما پول هم دادند و مدرس تاکید می کند: «آقای وثوق! اشتباه کردید. ایران را ارزان فروختید.»

قراردادی که ورق پاره شد

شخص وثوق الدوله و واسطه های زیادی سراغ آیت الله مدرس رفتند و ایشان در جواب آنها گفت: «شما ضرر خواهید کرد. اگر قرارداد لغو شد همیشه متضرر و منفور و از سیاست دور خواهید شد و اگر قرارداد عملی شد، دیگر انگلیس با شما کاری ندارد و برای رضایت ملت ایران، شما را فدا خواهد کرد.»

با تلاش های آیت الله مدرس و چند تن دیگر قرارداد 1919 در مجلس تصویب نشد و قبل از اینکه لغو آن اعلام شود به ورق پاره ای تبدیل شد. وثوق الدوله نیز از نخست وزیری برکنار شد و مدرس کاری کرد که اعتبارنامه نمایندگان طرفدار قرارداد در مجلس چهارم هم تصویب نشود.

امیر علی جهاندار-فعال دانشجویی
انتشار یادداشت های دانشجویی به معنای تائید تمامی محتوای آن توسط «خبرگزاری دانشجو» نیست و صرفا منعکس کننده نظرات گروه ها و فعالین دانشجویی است.

برچسب ها

امیر علی جهاندار ، یادداشت دانشجویی ، مدرس ، یادداشت